

Predicting Marital Commitment Based on Emotional Intelligence and Attachment Styles Mediated by Interpersonal Processing¹

By: Mozhdeh Zarifi¹, Eghbal Zarei², Samaneh Najjarpourian³

received: 17/08/2020 accepted: 31/10/2020

Abstract

Background and Aim: Marital commitment leads to the sustainability of marital relationship and their quality of life. Therefore, the present study has been conducted to predict marital commitment based on emotional intelligence and attachment style with interpersonal intermediary mediation in couples.

Method: The statistical population of this research was all employees of Hormozgan Steel Company in 2019. According to the study type, which is descriptive and correlational and path analysis, 350 people were selected by random sampling method. Data collection tools in this study were Marital Engagement Questionnaire (MCQ), Emotional Intelligence Scale (EIS), Adult Attachment Style Scale (AAS), and Interpersonal Process Scale (IPS). To analyze the data at the descriptive level, the statistical characteristics such as mean and standard deviation, and the inferential level of Pearson correlation tests, simple and multiple regression analysis were used in a synchronous and path analysis.

Results: The findings of this study showed that emotional intelligence and attachment styles as well as interpersonal processing each directly had predictive power of marital commitment. Also, emotional intelligence and attachment styles were mediated by interpersonal processing of predictive power of commitment Have a marriage ($P < 0.05$).

Conclusion: Based on the results, it can be stated that marital commitment based on emotional intelligence and attachment style is predictable by inter-professional mediation. Therefore, considering these factors, it is possible to increase the couples' commitment to each other. Finally, they increased their satisfaction with marital life

Keywords: Marital Commitment, Emotional Intelligence, Attachment Style, Interpersonal Processing.

¹This article is taken from the master's thesis of the first author from Hormozgan University and with the same title

² MA in Counseling, Faculty of Humanities, University of Hormozgan

³Assistant Professor, Department of Consultation, Faculty of Humanities, University of Hormozgan. Corresponding Author

⁴ Associate Professor, Department of Consultation, Faculty of Humanities, University of Hormozgan

پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی

با میانجیگری پردازش بین فردی: مورد مطالعه کارکنان شرکت فولاد هرمزگان^۱

مژده ظریفی^۱، اقبال زارعی^۲، سمانه نجارپوریان^۳

۱. کارشناس ارشد مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان. Mozhddeh.Zarifi@yahoo.com

۲. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان. (نویسنده مسئول)

eghbzalzei2010@yahoo.com

۳. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان. s.najarpourian@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: تعهد زناشویی موجب دوام رابطه زناشویی و افزایش کیفیت زندگی ایشان می‌شود؛ بنابراین پژوهش حاضر به پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس هوش هیجانی و سبک دلبستگی با میانجیگری پردازش بین فردی در زوجین پرداخته است.

روش: جامعه آماری این پژوهش، همه کارکنان شرکت فولاد هرمزگان در سال ۱۳۹۷ بود و تعداد ۳۵۰ نفر از آن‌ها به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه تعهد زناشویی (MCQ)، مقیاس هوش هیجانی (EIS)، مقیاس سبک دلبستگی بزرگسالان (AAS) و مقیاس پردازش بین فردی (IPS) بود. برای تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی از مشخصه‌های آماری نظیر میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی از آزمون‌های همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون ساده و چندگانه به روش همزمان و تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی و همچنین پردازش بین فردی، هر یک به‌طور مستقیم توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را داشته، همچنین هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی با میانجیگری پردازش بین فردی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج می‌توان چنین بیان کرد که تعهد زناشویی بر اساس هوش هیجانی و سبک دلبستگی با میانجیگری پردازش بین فردی قابل پیش‌بینی است؛ بنابراین می‌توان گفت این عوامل موجب افزایش تعهد زوجین به یکدیگر و نهایتاً موجب بهبود زندگی زناشویی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تعهد زناشویی، هوش هیجانی، سبک دلبستگی، پردازش بین فردی.

◀ **استناد (به شیوه APA ویرایش ۶):** ظریفی، مژده، زارعی، اقبال، نجارپوریان؛ سمانه (پاییز و زمستان ۱۳۹۹).

پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی با میانجیگری پردازش بین فردی در زوجین.

دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۸(۲)، ۵۲۳-۵۴۵



مقدمه

«خانواده» پناهگاه امنیت و خوشبختی تصور می‌شود؛ اما زمانی می‌تواند کارکرد خود را به درستی انجام دهد که دچار آشفتگی و نابسامانی نباشد (شریت این و طوافی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۴). نقش خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی با کارکردهای مختلف آن می‌تواند هم در جنبه مثبت و هم در جنبه منفی بسیار مهم و تأثیرگذار باشد (زمانی زارچی، صمدی کاشانی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۸). خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، در پی تشکیل زندگی زناشویی شکل می‌گیرد (زارع و رضایی، ۱۳۹۵، ص. ۹۲). شکست در زندگی زناشویی، آسیب‌های عمیق و گسترده‌ای به افراد و خانواده‌ها وارد می‌آورد. به همین دلیل در دهه‌های اخیر متخصصان حوزه خانواده به مطالعه مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد یک ازدواج موفق علاقه‌مند شده‌اند (چراغی، مظاهری، موتابی و پناغی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۰). بررسی متغیرهای مؤثر در ایجاد یک ازدواج موفق می‌تواند موجب دوام زندگی مشترک شود (سهراب‌زاده، نیازی و افرا، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۲)، باین حال، بررسی زندگی زناشویی بدون در نظر گرفتن تأثیر سبک‌های دلبستگی بر آن امکان‌پذیر نیست (آنیزورث، بلهر، واترز و وال، ۲۰۱۵، ص. ۱۴۲).

دلبستگی یک رابطه هیجانی خاص است که مستلزم تبادل لذت - مراقبت و آرامش است و شامل سه سبک اجتنابی، اضطرابی و ایمن می‌باشد (اسکندری، هادی، سهرابی، معتمدی و فرخی، ۱۳۹۵، ص. ۴۳). همچنین هوش هیجانی، (آگاهی از هیجان‌ها و چگونگی اثرگذاری این آگاهی در روابط بین‌فردی) از عوامل مؤثر در زندگی زوجی و به دنبال آن خانواده است (لوسین^۲، ۲۰۰۶، ص. ۵۴). محققان بر این باورند که توانایی درک و پذیرش افکار، احساسات و عواطف یکدیگر در زندگی زناشویی با احساس بهتری همراه است؛ از این رو مردان و زنانی که سطح بالایی از صمیمیت را در رابطه با ازدواج خود گزارش می‌کنند، در پیش‌بینی احساسات و باورهای شریک زندگی خود بسیار دقیق هستند و ارزش‌ها و باورهای مشابهی درباره میزان نزدیکی و صمیمیت بین خود حفظ می‌کنند (فتحی و آزادیان، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۲). بار - آن^۳ (۲۰۰۰)، معتقد است هوش هیجانی دارای پنج مؤلفه «مهارت‌های درون‌فردی^۴، مهارت‌های بین‌فردی^۵، سازش‌یافتگی^۶، مهارت‌تبدیلی^۷ و خلق

1. Ainsworth, Blehar, Waters & Wall
2. Lyusin
3. Bar-on
4. interpersonal
5. intrapersonal
6. adaptability
7. stress control



عمومی^۱ است. به این ترتیب می‌توان این مؤلفه‌ها را در بستری از روابط بین فردی بررسی کرد. به‌طور کلی در ساختار خانواده و ارتباط زوجین، افرادی می‌توانند بر مشکلات خود غلبه کنند و زندگی موفق‌تری داشته باشند که با اتخاذ شیوه‌های صحیح بر مشکلات ارتباطی خود فائق آیند، در واقع آنچه ما را به‌عنوان یک انسان توانا معرفی می‌کند میزان تعاملی است که با دیگران داریم. برعکس با فقدان روابط انسانی از محبت یکدیگر محروم شده و توانایی‌های خود را از دست می‌دهیم. روابط بین فردی در کامیابی‌های ما در جهات مختلف مانند رشد و توسعه اجتماعی ضروری است (مجیدی قهرودی و سلطان‌محمدی، ۱۳۹۰، ص. ۴۴). به این ترتیب می‌توان گفت ارتباطات بین زوجین و فرایند پردازش بین فردی یکی از انواع متغیرهایی است که روابط زوج‌ها را به میزان زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌عنوان یک عامل یاری‌دهنده در بهبود زندگی ایشان و افزایش پایداری به رابطه زناشویی مؤثر است. «پردازش بین فردی» به توانایی تفکر انعکاسی^۲ درباره خود، رابطه با شخص مقابل، مشاهده دیدگاه طرف مقابل و درک ماهیت تعاملات دوجانبه و متقابل در رابطه اشاره دارد (رید، دالتون، لدرروت، دوئل و نگوین^۳، ۲۰۰۶، ص. ۱۴۰). توجه به این متغیر به‌عنوان یک متغیر جدید و مهم در حوزه زناشویی، منحصر به آگاهی فراوان درباره خود یا همسر نمی‌شود بلکه شناخت کافی از این موضوع است که هر دو نفر بر هم اثر می‌گذارند و تعامل‌های آنها موجب ایجاد پویایی می‌شود که تا حدودی دارای «حیات مخصوص به خود» است (میلر^۴، ۲۰۰۸، ص. ۱۳۱).

این متغیرها می‌توانند از عوامل اثرگذار بر زندگی زناشویی باشند؛ اما رویکرد پژوهش حاضر بیشتر بر اساس نقش سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی در بروز تعهد یا عدم تعهد زناشویی است، زیرا تعهد زناشویی، قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (کریمیان، کریمی و بهمنی، ۱۳۹۰، ص. ۲۴۴). منظور از عدم تعهد، خیانت و داشتن ارتباط جنسی یا عاطفی با شخص دیگری غیر از همسر است (هرتلین، وچلر و پیرسی^۵، ۲۰۰۵، ص. ۴۰۶). تحقیقات نشان داده است که در ازدواج‌هایی که یکی از زوجین اقدام به خیانت یا نقض تعهد زناشویی می‌کند، احتمال طلاق افزایش می‌یابد (ترابیان، ۱۳۹۰، ص. ۹۴). آریاجا و آگنیو^۶ (۲۰۰۱) تعهد زناشویی را به معنای تمایل فرد برای حفظ دائمی ازدواج و وفادار ماندن به همسر، خانواده و ارزش‌ها تعریف کردند و آن را شامل اجزای رفتاری، شناختی و عاطفی دانستند. عدم تعهد

1. general mood
2. reflexive thinking
3. Reid, Dalton, Laderoute, Doell & Nguyen
4. Miller
5. Hertlin, Wetchler & Piercy
6. Arriaga & Agnew

می‌تواند صورت‌های مختلفی داشته باشد. یک نوع از آن می‌تواند صرفاً جنبه عاطفی داشته باشد؛ بدین صورت که یکی از زوجین با شخصی به غیر از همسرش، رابطه‌ای عاطفی و صمیمانه داشته باشد. این روابط عاطفی می‌تواند به صورت در میان گذاشتن احساسات و عواطف باشد یا حتی رفتارهایی چون عاشق شدن را در برگیرد (بلو و هارتنت^۱، ۲۰۰۵، ص. ۲۱۸). صورت دیگر می‌تواند این باشد که فرد با کسی به غیر از همسرش رابطه جنسی داشته باشد، رفتارهای جنسی مثل بوسیدن تا مقاربت جنسی از این مواردند (دریگوتاس و بارتا^۲، ۲۰۰۱، ص. ۱۷۸).

فینی و فیتزجرالد^۳ (۲۰۱۸)، در یک پژوهشی به بررسی نقش سبک‌های دلبستگی در تعارضات زناشویی پرداختند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که سبک‌های دلبستگی نه تنها در کاهش تعارضات بین زوجین مؤثر است بلکه بر تماس‌های عاطفی زوج‌ها نیز اثر دارد. جانسون^۴ (۲۰۱۸)، نیز در پژوهش خود به بررسی سبک‌های دلبستگی پرداخت و نشان داد که این مؤلفه، عنصری مهم در پایداری زندگی زوجین است. هو^۵ و همکاران (۲۰۱۲)، در مطالعه خود به بررسی نقش سبک‌های دلبستگی بزرگسالان در رضایت از روابط آن‌ها پرداختند. آن‌ها در این مطالعه، تعهد شخصی و ساختاری را که از ابعاد تعهد زناشویی^۶ و تأثیرگذار در روابط زناشویی می‌باشند، به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفتند. نتایج این پژوهش نشان داد که دلبستگی اجتنابی و دلبستگی اضطرابی رابطه منفی و معناداری با تعهد شخصی دارد. همچنین پرز - فونتز، مولرو - جورادو، گرکر - لینارس و اورپسا رویز^۷ (۲۰۱۸)، در پژوهش خود در اسپانیا به بررسی رابطه هوش هیجانی و تعهد زناشویی در جامعه پرستاران پرداختند و نشان دادند که افراد با هوش هیجانی بالاتر تعهد بیشتری به رابطه خود دارند. دوئل (۲۰۱۰)، نیز در مطالعه خود نشان داد که پردازش بین فردی در زوجین موجب بهبود کیفیت زندگی آنان می‌شود و روابط زناشویی را بهبود می‌بخشد.

در خصوص مبانی نظری مربوط به پژوهش می‌توان گفت، بر اساس نظریه دلبستگی، فعالیت سیستم دلبستگی محدود به دوران کودکی نیست و در تمام طول زندگی و پیوندهای عاطفی دیگر چون دوستی‌ها، ازدواج، روابط خویشاوندی و غیره فعال باقی می‌ماند و انسان‌ها در هیچ سنی به طور کامل از احساس اعتماد به

1. Blow & Hartnet
2. Drigotas & Barta
3. Feeney & Fitzgerald
4. Johnson
5. Ho
6. marital commitment
7. Pérez-Fuentes, Molero Jurado, Gázquez Linares & Oropesa Ruiz.



افراد مهم زندگی آزاد نیستند (بالی^۱، ۲۰۰۸، ص. ۷۴). بر اساس این نظریه، بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن^۲ آن دسته افرادی هستند که حس مثبتی به خود و درک مثبتی از دیگران دارند (کان، نورمن، ولبورن و کالهن^۳، ۲۰۰۸، ص. ۱۳۲). این بزرگسالان گرایش به داشتن دیدگاه‌های مثبت از خودشان و همسرشان دارند، این افراد هم با تعلق و هم با استقلال احساس راحتی می‌کنند (بوگارتز، دالدر، کناپ، کانست و بوچمن^۴، ۲۰۰۸، ص. ۱۰۶۴). افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن^۵ به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- افراد دارای دلبستگی اجتنابی^۶؛ و ۲- افراد دارای دلبستگی اضطرابی^۷. بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی، خودشان را به صورت خودبسنده می‌بینند و افراد دارای این سبک، آسیب‌پذیری را انکار می‌کنند و ادعا می‌کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و تمایل به اجتناب از صمیمیت دارند (آنیزورث و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲۰۴). پژوهش‌ها نشان داده که آنان برای سرمایه‌گذاری در روابط رمانتیکشان تردید دارند؛ بنابراین پایین‌ترین سطح تعهد را دارا هستند (اصلائی، عبداللهی و امان‌اللهی، ۱۳۹۵، ص. ۲۰۸). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اضطرابی، گرایش به داشتن دیدگاه کمتر مثبتی در مورد خودشان دارند. آن‌ها اغلب در مورد ارزش خودشان به‌عنوان یک همسر شک دارند و خودشان را برای فقدان پاسخ‌گری همسرشان سرزنش می‌کنند (بوگارتز و همکاران، ۲۰۰۸، ص. ۱۰۶۹).

همچنین در پیشینه پژوهشی، هوش هیجانی به دو شکل مفهوم‌سازی شده است: در شکل نخست، آن را مجموعه توانایی‌های عقلی و ذهنی می‌دانند که شامل ادراک درست هیجان‌ها، استفاده از آگاهی هیجانی در تسهیل جریان تفکر، درک و شناخت هیجان‌ها و تمایز بین آن‌ها و همچنین تنظیم هیجان‌ها در خود و دیگران است (مایر، کاروسو و سالووی^۸، ۲۰۰۰، ص. ۹۶). در مفهوم‌سازی دوم، هوش هیجانی به توانایی‌های غیرشناختی اشاره دارد که به‌مثابه شایستگی‌ها و رگه‌های شخصیتی مانند همدلی، انگیزش، انسجام و خونگرمی، مدل‌سازی شده و به‌عنوان نظریه^۹ شناخته می‌شود (زیدنر، متیوس و روبرتز^{۱۰}، ۲۰۰۹، ص. ۱۷۱).

پژوهش حاضر به بررسی نقش این دو متغیر در تعهد زناشویی می‌پردازد. به‌طور کلی مدل‌های نظری

1. Bowlby
2. secure attachment
3. Cann, Norman, Welbourne & Calhoun
4. Bogaerts, Dallder, Knap, Kunst & Buschman
5. insecure attachment
6. avoidant attachment
7. anxiety attachment
8. Mayer, Caruso & salovey
9. Trait Theory
10. Zeidner, Matthews & Roberts

متعددی در مورد بی‌تعهدی زناشویی زوجین و روابط فرا زناشویی وجود دارد، با این حال هیچ پژوهشی تاکنون به نقش سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی به واسطه پردازش بین فردی در تعهد زناشویی نپرداخته است. در نظر گرفتن نقش روابط بین فردی در زندگی زناشویی موجب می‌شود تا بررسی کامل‌تر و جامع‌تری از زندگی زوجی و متعاقباً زندگی خانوادگی به عمل آید و در نهایت از میزان آسیب‌های منفی همچون طلاق و تعارضات خانوادگی کاسته شود؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی تعهد زناشویی، بر اساس سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی، با میانجیگری پردازش بین فردی در زوجین است. بر این اساس فرضیات زیر مطرح می‌شود:

- هوش هیجانی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارد.
- سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند.
- پردازش بین فردی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارد.
- هوش هیجانی با میانجیگری پردازش بین فردی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارد.
- سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) با میانجیگری پردازش بین فردی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند.
- مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی با میانجیگری پردازش بین فردی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند.

روش

پژوهش حاضر با توجه به موضوع آن از لحاظ هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی و عملی، و از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی و از نوع همبستگی است که در قالب تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر انجام شد. تحلیل مسیر برای آزمون‌های علی به کار می‌رود و ما را قادر می‌سازد به سازوکار اثر متغیرها بر یکدیگر پی ببریم و مشخص می‌کند اثر هر متغیر تا چه حد مستقیم و تا چه حد غیرمستقیم است (قاسمی، ۱۳۹۲، ص. ۵۴). جامعه آماری این پژوهش، همه زنان و مردان متأهل مشغول به کار در شرکت فولاد هرمزگان در سال ۱۳۹۷ بودند. کل حجم جامعه مورد پژوهش ۳۶۰۰ نفر بود. با توجه به مشخص بودن تعداد دقیق جامعه، برای نمونه‌گیری از جدول مورگان استفاده شد که بر آن اساس حجم نمونه انتخابی ۳۴۶ نفر، زن و مرد بود. همچنین برای نمونه‌گیری در پژوهش‌های همبستگی می‌توان از فرمول $(N > 50 + 8m)$ استفاده کرد که سرانجام در این پژوهش با توجه به احتمال افت نمونه، ۳۵۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به ابزار پژوهش پاسخ دادند. شرط ورود به نمونه آماری، تأهل افراد بود. همچنین افراد با دامنه سنی بین ۲۰ تا ۵۰ سال برای این پژوهش انتخاب شدند. از دیگر معیارهای ورود به پژوهش، نداشتن سابقه بیماری و سالم بودن

افراد بود. روش کار بدین صورت بود که پژوهشگران پس از مراجعه به شرکت فولاد هرمزگان و انتخاب نمونه در دسترس، ابزار پژوهش را بین آن‌ها توزیع و از شرکت‌کنندگان خواستند تا به صورت فردی به سؤالات پاسخ دهند. برای رعایت اصول اخلاقی، پژوهشگران پس از توضیحات لازم درباره اهداف پژوهش و اطمینان بخشی از فاش نشدن نام شرکت‌کنندگان و جلب مشارکت و همکاری ایشان به توضیح دادن درباره هر یک از ابزارها، بدون آنکه پاسخی القا شود پرداختند، همچنین برای رعایت ملاحظات اخلاقی، نام همه شرکت‌کنندگان در پژوهش به صورت کد وارد شد.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از:

پرسش‌نامه تعهد زناشویی^۱ (MCQ): این پرسش‌نامه میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسش‌نامه را آدامز و جونز (۱۹۹۷)، ساخته‌اند. آن‌ها در شش پژوهش گوناگون برای رسیدن به پایایی و روایی پرسش‌نامه، آن را در ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات، همبستگی هر پرسش با نمره کل پرسش‌نامه بالا و معنادار بود و پایایی کل پرسش‌نامه ۰/۸۲ گزارش شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که عامل اول، تعهد شخصی با ۲۳/۷ درصد واریانس، عامل دوم، تعهد اخلاقی، با ۸/۸ درصد واریانس و عامل سوم، تعهد ساختاری با ۳/۹ درصد از واریانس توانستند تعهد زناشویی را تبیین کنند. در مجموع این عوامل ۳۶/۴ درصد از واریانس پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را تخمین زدند. آدامز و همکاران (۱۹۹۷) پایایی این ابعاد را به روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای هر بعد ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۶ گزارش کردند. در پژوهش زارعی و حسینقلی (۱۳۹۲)، نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمد. در اعتباریابی آزمون توسط شاه‌سیاه، بهرامی و مجبی (۱۳۸۸)، استادان دانشگاه اصفهان روایی محتوایی را تأیید کردند و آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز میزان ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه، ۰/۹۴ تعیین شد.

مقیاس هوش هیجانی^۲ (EIS): این مقیاس برای ارزیابی تفاوت‌های فردی در توانایی شناسایی و تنظیم عواطف خود و دیگران به دست‌و‌نگ و لو (۲۰۰۲) ساخته شده است که شامل ۱۶ ماده است و در یک طیف ۵ گزینه‌ای (۱- کاملاً مخالفم تا ۵- کاملاً موافقم) درجه‌بندی می‌شود. نمره‌های بالا نشان‌دهنده هوش هیجانی بالا است. آلفای کرونباخ این مقیاس توسط ونگ و لو (۲۰۰۲) ۰/۹۴ و روایی آن با مقیاس صفت فراخلق سالوی^۳ و همکاران (۱۹۹۵) ۰/۶۳ گزارش شده است، همچنین رجبی، موسویان‌نژاد و تقی‌پور (۱۳۹۳)، ضریب

1. Marital Commitment Questionnaire
2. Emotional Intelligence Scale
3. Salovey

آلفای کرونباخ این مقیاس را $0/79$ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه، $0/92$ به دست آمد.

مقیاس سبک دلبستگی بزرگسالان^۱ (AAS): بشارت (۱۳۸۶) این مقیاس را با استفاده از مواد آزمون هازن و شیور^۲ (۱۹۸۷) ساخته است. این مقیاس یک آزمون پانزده سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (۱=خیلی کم تا ۵=خیلی زیاد) می‌سنجد. هر مقیاس دارای پنج سؤال می‌باشد. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب $0/87$ ، $0/83$ ، $0/84$ محاسبه شد که نشانه اعتبار بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است (بشارت، ۱۳۸۶). روایی محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضریب‌های همبستگی بین نمره‌های ۱۵ نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب $0/80$ ، $0/61$ و $0/57$ به دست آمد (بشارت، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر نیز میزان ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب، $0/79$ ، $0/83$ و $0/64$ به دست آمد.

مقیاس پردازش بین‌فردی^۳ (IPS): این مقیاس را رید و زهرادنیک^۴ (۲۰۰۲؛ به نقل از میلر، ۲۰۰۸) در آزمایشگاه یورک و به منظور ارزیابی این موضوع طراحی کردند که افراد تا چه میزان باور دارند که هم از افکار و احساسات همسر خود آگاهی دارند و هم قادر هستند درباره واکنش‌های شناختی و هیجانی خود در حین و بعد از ارتباط با همسر، تأمل کنند. در این مقیاس از پاسخ‌دهندگان درخواست شد تا بر اساس یک مقیاس ۵ رتبه‌ای لیکرتی (از ۱- کاملاً مخالفم تا ۵- کاملاً موافقم) مشخص کنند که ۲۰ جمله ارائه شده به آن‌ها تا چه میزان و درجه‌ای، توصیف‌کننده دقیق پردازش بین‌فردی آن‌هاست. حداقل و حداکثر نمره در این مقیاس ۲۰ و ۱۰۰ می‌باشد که نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده درجه بیشتری از پردازش بین‌فردی توسط فرد است. دیاکونسکو^۵ (۲۰۰۵؛ به نقل از دوئل، ۲۰۱۰) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس را $0/88$ ؛ دوئل (۲۰۱۰) این ضریب را قبل و بعد از درمان به ترتیب $0/86$ و $0/90$ و میلر (۲۰۰۸) آن را $0/53$ و ضریب پایایی بازآزمایی (به فاصله دو هفته) $0/63$ گزارش داده‌اند. همچنین دیاکونسکو (۲۰۰۵؛ به نقل از دوئل، ۲۰۱۰) نشان داد که این مقیاس

1. Adult Attachment Scale
2. Hazen & Shiver
3. Interpersonal Processing Scale
4. Reid & Zahradnik
5. Diakonsko



با مقیاس اتخاذ دیدگاه لانگ^۱ (۱۹۹۰؛ به نقل از دوئل، ۲۰۱۰) همبستگی دارد. ضریب آلفای پرسش‌نامه در پژوهش حاضر، ۰/۷۹ تعیین شد.

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌ها استخراج و آماده تحلیل شد. تجزیه و تحلیل این پژوهش به صورت آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفته است. در قسمت آمار توصیفی، شاخص‌های آماری نمونه مورد مطالعه از قبیل فراوانی، میانگین و انحراف معیار مورد استفاده قرار گرفت. در بخش آمار استنباطی که با هدف بررسی فرضیه‌های پژوهش انجام شده است، در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش فرضیه‌های پژوهش از همبستگی پیرسون، رگرسیون ساده و چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شد. همچنین داده‌ها با نرم‌افزار SPSS-۲۲ تحلیل شدند.

یافته‌ها

نمونه پژوهش حاضر متشکل از ۳۵۰ نفر بود که ۲۵۰ نفر مرد (۷۱/۴ درصد) و ۱۰۰ نفر زن (۲۸/۶ درصد) بودند. همچنین از نظر سنی ۷۷ نفر زیر ۳۰ سال (۲۲ درصد)، ۲۲۴ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال (۶۴ درصد) و ۴۹ نفر بین ۴۰ تا ۵۰ سال (۱۴ درصد) بودند. نتایج آمار توصیفی و استنباطی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آورده شده است:

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	بیشینه	کمینه
تعهد زناشویی	تعهد به همسر	۳۷/۲۴	۶/۹۹	۵۰	۲۳
	تعهد به ازدواج	۴۳/۳۸	۷/۸۲	۵۶	۲۴
	احساس تعهد	۷۹/۵۶	۱۵/۴۲	۱۰۵	۴۴
	تعهد زناشویی	۱۶۰/۱۸	۲۶/۸۰	۲۰۵	۱۰۰
هوش هیجانی	ارزیابی خودهیجانی	۱۹/۶۴	۵/۰۴	۲۸	۸
	ارزیابی هیجان دیگری	۱۹/۴۲	۴/۱۴	۲۸	۸
	به‌کارگیری هیجانی	۲۰/۱۴	۴/۶۴	۲۸	۱۰
	تنظیم هیجان	۱۹/۵۶	۴/۷۹	۲۸	۷
	هوش هیجانی	۷۸/۷۶	۱۶/۸۴	۱۰۹	۳۸

۱۱	۲۲	۲/۶۰	۱۵/۰۸	سبک دلبستگی ایمن	سبک‌های دلبستگی
۱۰	۱۸	۲/۲۹	۱۳/۴۸	سبک دلبستگی اجتنابی	
۷	۲۰	۲/۸۳	۱۴/۰۴	سبک دلبستگی دوسوگرا	
۴۸	۸۴	۹/۸۱	۶۷/۵۶	پردازش بین فردی	

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، میانگین و انحراف استاندارد تعهد زناشویی $۱۶۰/۱۸ \pm ۲۶/۸۰$ ، هوش هیجانی $۷۸/۷۶ \pm ۱۶/۸۴$ ، سبک دلبستگی ایمن $۱۵/۰۸ \pm ۲/۶۰$ ، سبک دلبستگی اجتنابی $۱۳/۴۸ \pm ۲/۲۹$ ، سبک دلبستگی دوسوگرا $۱۴/۰۴ \pm ۲/۸۳$ و پردازش بین فردی $۶۷/۵۶ \pm ۹/۸۱$ است. نتایج سایر مؤلفه‌ها در جدول فوق قابل مشاهده است. همچنین نتایج همبستگی بین متغیرها نشان داد که رابطه بین هوش هیجانی با تعهد زناشویی $۰/۶۴۶$ است و با توجه به اینکه میزان سطح معناداری آن کوچک‌تر از $۰/۰۵$ است این رابطه معنادار است ($P < ۰/۰۱$). نتایج تحلیل رگرسیون نیز مشخص کرد که هوش هیجانی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارد. در خصوص ارتباط سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و تعهد زناشویی نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد که رابطه بین سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با تعهد زناشویی به ترتیب $۰/۱۵۸$ ، $-۰/۳۶۴$ و $-۰/۳۲۵$ است که با توجه به اینکه میزان سطح معناداری آن‌ها کوچک‌تر از $۰/۰۵$ است، این روابط معنادار هستند ($P < ۰/۰۱$). نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند. همچنین نتایج نشان داد که رابطه بین سبک پردازش بین فردی با تعهد زناشویی $۰/۳۶۰$ است که با توجه به اینکه میزان سطح معناداری آن‌ها کوچک‌تر از $۰/۰۵$ است، این رابطه معنادار است ($P < ۰/۰۱$) همچنین پردازش بین فردی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارد. در خصوص نقش میانجی پردازش بین فردی در ارتباط با متغیرها نتایج به شرح زیر است:

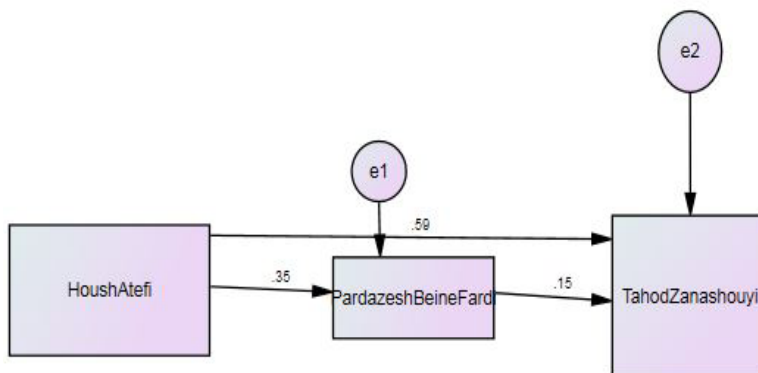
جدول ۲. میزان و سطح معناداری آثار مستقیم و غیرمستقیم و کل استاندارد شده

مسیر	اثر مستقیم	Sig.	اثر غیرمستقیم	اثر کل
هوش هیجانی بر پردازش بین فردی	$۰/۳۴۷$	$۰/۰۰۱$	-	$۰/۳۴۷$
هوش هیجانی بر تعهد زناشویی	$۰/۶۴۶$	$۰/۰۰۱$	$۰/۱۲۴$	$۰/۷۷۰$
پردازش بین فردی بر تعهد زناشویی	$۰/۳۶۰$	$۰/۰۰۱$	-	$۰/۳۶۰$

$P < ۰/۰۵$

جدول ۲ میزان اثر و سطح معناداری آثار مستقیم و غیرمستقیم و کل استاندارد شده متغیرهای پیش بین را بر متغیر تعهد زناشویی نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، آثار مستقیم هوش هیجانی بر پردازش بین فردی (۰/۳۴۷)، هوش هیجانی بر تعهد زناشویی (۰/۶۴۶) و پردازش بین فردی بر تعهد زناشویی (۰/۳۶۰) معنادار هستند (۰/۰۵ < P). همچنین نتایج نشان می‌دهد که هوش هیجانی با واسطه‌گری پردازش بین فردی با مقدار ۰/۱۲۴ < P به صورت غیرمستقیم بر روی تعهد زناشویی اثر دارد؛ بنابراین این فرضیه تأیید شده و نتیجه گرفته می‌شود که هوش هیجانی با میانجیگری پردازش بین فردی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارد.

شکل مدل تجربی به صورت زیر است:



شکل ۱: مدل تجربی نقش هوش هیجانی در پیش‌بینی تعهد زناشویی با واسطه‌گری پردازش بین فردی

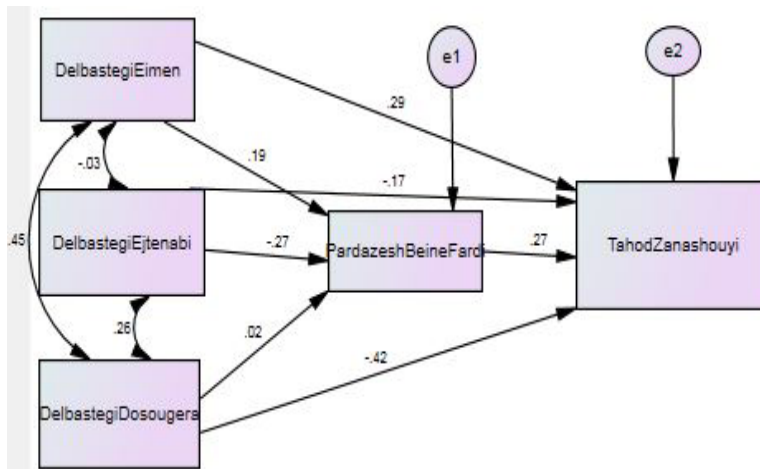
جدول ۳: میزان و سطح معناداری آثار مستقیم و غیرمستقیم و کل استاندارد شده

مسیر	اثر مستقیم	Sig.	اثر غیرمستقیم	اثر کل
دلبستگی ایمن بر پردازش بین فردی	۰/۱۹۵	۰/۰۰۱	-	۰/۱۹۵
دلبستگی اجتنابی بر پردازش بین فردی	-۰/۲۶۷	۰/۰۰۱	-	-۰/۲۶۷
دلبستگی دوسوگرا بر پردازش بین فردی	۰/۰۲۱	۰/۷۳۰	-	۰/۰۲۱
پردازش بین فردی بر تعهد زناشویی	۰/۳۶۰	۰/۰۰۱	-	۰/۳۶۰
دلبستگی ایمن بر تعهد زناشویی	۰/۳۴۰	۰/۰۰۱	۰/۰۷۰	۰/۴۱۰
دلبستگی اجتنابی بر تعهد زناشویی	-۰/۲۴۶	۰/۰۰۱	-۰/۰۹۶	-۰/۳۴۲
دلبستگی دوسوگرا بر تعهد زناشویی	-۰/۴۱۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	-۰/۴۲۲

P < ۰/۰۵

جدول ۳ میزان اثر و سطح معناداری آثار مستقیم و غیرمستقیم و کل استاندارد شده متغیرهای پیش‌بین را بر متغیر تعهد زناشویی نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، تأثیر مستقیم دلبستگی ایمن بر پردازش بین‌فردی (۰/۱۹۵)، دلبستگی اجتنابی بر پردازش بین‌فردی (۰/۲۶۷-)، پردازش بین‌فردی بر تعهد زناشویی (۰/۳۶۰-)، دلبستگی ایمن بر تعهد زناشویی (۰/۳۴۰)، دلبستگی اجتنابی بر تعهد زناشویی (۰/۲۴۶-) و دلبستگی دوسوگرا بر تعهد زناشویی (۰/۴۱۵-) معنادار هستند ($P < ۰/۰۵$) و تنها اثر مستقیم دلبستگی دوسوگرا بر روی پردازش بین‌فردی (۰/۰۲۱) معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). همچنین نتایج نشان می‌دهد که سبک دلبستگی ایمن با مقدار ۰/۰۷۰ و سبک دلبستگی اجتنابی با مقدار ۰/۰۹۶- و با واسطه‌گری پردازش بین‌فردی می‌تواند تعهد زناشویی را پیش‌بینی کنند ($P < ۰/۰۵$) اما سبک دلبستگی دوسوگرا با مقدار ۰/۰۰۷ اثر غیرمستقیم ضعیفی دارد ($P > ۰/۰۵$). بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) با میانجیگری پردازش بین‌فردی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند.

شکل مدل تجربی به صورت زیر است:



شکل ۲: مدل تجربی نقش سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی تعهد زناشویی با واسطه‌گری پردازش بین‌فردی

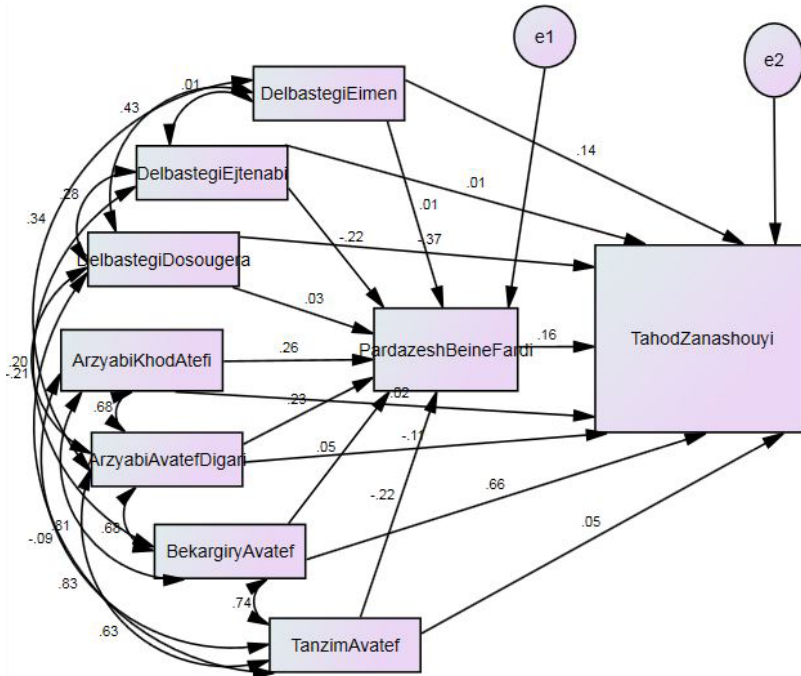
جدول ۴: میزان و سطح معناداری آثار مستقیم و غیرمستقیم و کل استاندارد شده

مسیر	اثر مستقیم	Sig.	اثر غیرمستقیم	اثر کل
دلبستگی ایمن بر پردازش بین فردی	۰/۰۱۰	۰/۸۷۵	-	۰/۰۱۰
دلبستگی اجتنابی بر پردازش بین فردی	-۰/۲۱۳	/۰۰۱	-	-۰/۲۱۳
دلبستگی دوسوگرا بر پردازش بین فردی	۰/۰۳۴	۰/۵۷۶	-	۰/۰۳۴
ارزیابی خودهیجانی بر پردازش بین فردی	۰/۲۵۱	۰/۰۲۰	-	۰/۲۵۱
ارزیابی هیجان دیگری بر پردازش بین فردی	۰/۲۳۷	۰/۰۰۷	-	۰/۲۳۷
به کارگیری هیجانی بر پردازش بین فردی	۰/۰۵۱	۰/۶۱۲	-	۰/۰۵۱
تنظیم هیجان بر پردازش بین فردی	-۰/۲۱۶	۰/۰۲۳	-	-۰/۲۱۶
پردازش بین فردی بر تعهد زناشویی	۰/۳۶۰	۰/۰۰۱	-	۰/۳۶۰
دلبستگی ایمن بر تعهد زناشویی	۰/۱۴۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۱۴۳
دلبستگی اجتنابی بر تعهد زناشویی	-۰/۰۲۶	۰/۵۱۷	-۰/۰۷۶	-۰/۱۰۲
دلبستگی دوسوگرا بر تعهد زناشویی	-۰/۳۵۶	۰/۰۰۱	۰/۰۱۲	-۰/۳۶۸
ارزیابی خودهیجانی بر تعهد زناشویی	-۰/۰۲۲	۰/۷۷۱	۰/۰۹۰	-۰/۱۱۲
ارزیابی هیجان دیگری بر تعهد زناشویی	-۰/۰۷۵	۰/۲۲۹	۰/۰۸۵	-۰/۱۶۰
به کارگیری هیجانی بر تعهد زناشویی	۰/۶۵۴	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸	۰/۶۷۲
تنظیم هیجان بر تعهد زناشویی	۰/۰۷۸	۰/۷۹۱	-۰/۰۷۷	۰/۱۵۵

$$P < 0/05$$

جدول ۴ میزان اثر و سطح معناداری آثار مستقیم و غیرمستقیم و کل استاندارد شده متغیرهای پیش‌بین را بر متغیر تعهد زناشویی نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، آثار مستقیم دلبستگی اجتنابی بر پردازش بین فردی (-۰/۲۱۳)، ارزیابی خودهیجانی بر پردازش بین فردی (۰/۲۵۱)، ارزیابی هیجان دیگری بر پردازش بین فردی (۰/۲۳۷)، تنظیم هیجان بر پردازش بین فردی (-۰/۲۱۶)، پردازش بین فردی بر تعهد زناشویی (۰/۳۶۰)، دلبستگی ایمن بر تعهد زناشویی (۰/۱۴۰)، دلبستگی دوسوگرا بر تعهد زناشویی (-۰/۳۵۶) و به کارگیری هیجانی بر تعهد زناشویی (۰/۶۵۴) معنادار هستند ($P < 0/05$)؛ اما سایر آثار مستقیم معنادار نیست ($P > 0/05$). همچنین نتایج، نشان می‌دهد که سبک دلبستگی اجتنابی با مقدار ۰/۰۷۶، ارزیابی خودهیجانی با مقدار ۰/۰۹۰، ارزیابی هیجان دیگری با مقدار ۰/۰۸۵ و تنظیم هیجان با مقدار -۰/۰۷۷ و با واسطه‌گری پردازش بین فردی می‌توانند تعهد زناشویی را پیش‌بینی کنند؛ اما سبک دلبستگی ایمن، دلبستگی دوسوگرا و به کارگیری هیجانی اثر غیرمستقیم بسیار ضعیفی دارند؛ بنابراین، این فرضیه تأیید شده و نتیجه گرفته می‌شود که سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های هوش هیجانی با میانجیگری پردازش بین فردی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند.

شکل مدل تجربی به صورت زیر است:



شکل ۳: مدل تجربی نقش سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های هوش هیجانی در پیش‌بینی تعهد زناشویی با واسطه‌گری پردازش بین فردی

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، عوامل پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی در کارکنان شرکت فولاد هرمزگان بررسی و به‌طور خاص تلاش شد تا به پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس هوش هیجانی و سبک دلبستگی با در نظر گرفتن نقش میانجی پردازش بین فردی پرداخته شود.

بر اساس نتایج تحقیق، مشخص شد بین هوش هیجانی و تعهد زناشویی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این مطلب با مطالعات پرز - فونتز و همکاران (۲۰۱۸) و یودوخوا و همکاران (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. نتایج مؤید این مطلب است که زوج‌هایی که هوش هیجانی بالاتری دارند، احتمالاً توانایی درک همسر خود را در شرایط تعارض و اختلاف نظر خواهند داشت و عواطف و احساسات خود را آسان‌تر بروز خواهند داد و مانع از طولانی شدن تعارض می‌شوند، در نتیجه روابط مطلوب‌تر و رضایت بیشتر و تعارض‌های کمتری را تجربه خواهند کرد که نهایتاً منجر به تعهد طولانی‌تری به رابطه زناشویی می‌شود (رجبی، موسویان‌نژاد و تقی‌پور، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۵). در واقع می‌توان گفت که هوش هیجانی بالا منجر به بروز رفتار درست در موقعیت‌های تنش‌زا می‌شود.



زوجینی که دارای هوش هیجانی بالاتری هستند در مواقع لازم بهتر می‌توانند شرایط را مدیریت کنند و از تنش بکاهدند، نتیجه این امر می‌تواند مشکلات کمتر در رابطه زناشویی و تعهد بیشتر طرفین به آن باشد.

همچنین بر اساس نتایج رگرسیون، سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند. این یافته با پژوهش‌های جانسون (۲۰۱۸) و فینی و فیتزجرالد (۲۰۱۸) و در ایران با پژوهش‌های اصلانی، عبداللهی و امان‌اللهی (۱۳۹۶) و اسکندری و همکاران (۱۳۹۵) همسو است. در این راستا هو و همکاران (۲۰۱۲)، در مطالعه خود به بررسی نقش سبک‌های دلبستگی بزرگسالان در رضایت از روابط آن‌ها پرداختند و تعهد زناشویی را به‌عنوان متغیر میانجی در نظر گرفتند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، رابطه منفی و معناداری با تعهد زناشویی دارند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، الگوهایی که در طول سال اول زندگی ایجاد می‌شود، به‌عنوان ویژگی پایداری از کودکی به بزرگسالی انتقال می‌یابد و در ادامه به شکل روابط عاشقانه باقی می‌ماند. افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، دیدگاه مثبتی درباره خود و همسرشان و احساسات نسبتاً قوی نسبت به ارزش خود دارند و به‌راحتی در روابط عاشقانه صمیمی می‌شوند؛ بنابراین در زندگی زناشویی خود نیز متعهدانه‌تر برخورد می‌کنند (فتحی و آزادیان، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۰). سبک دلبستگی کودکی چنانچه در مسیر درست شکل بگیرد می‌تواند در بزرگسالی به توسعه روابط پایدار با دیگران کمک کند. به این ترتیب فرد روابط مثبت‌تر و پایداری را شکل می‌دهد و احساس تعهد بیشتری به روابط خود می‌کند.

بر اساس نتایج همبستگی بین پردازش بین‌فردی و تعهد زناشویی، رابطه بین این دو متغیر، معنادار است. این یافته با پژوهش آنیزورث و همکاران (۲۰۱۵) و دوئل (۲۰۱۰) هم‌راستا است. رید و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان دادند که فرایند پردازش بین‌فردی تا حد زیادی روابط بین زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این خصوص می‌توان گفت ارتباط مناسب با شخص مقابل، مشاهده دیدگاه وی و درک آن و تعامل دوجانبه و متقابل در هر رابطه‌ای موجب بهبود آن رابطه می‌شود، از سوی دیگر روابط نزدیک برای سلامت روان مهم هستند و اغلب مردم روابطی از این نوع را منبع مهمی برای شادی شخصی می‌دانند (هو و همکاران، ۲۰۱۲، ص. ۵۷۰). بنابراین می‌توان گفت، ارتباط مناسب و پردازش بین‌فردی در زوجین موجب افزایش تعامل ایشان می‌شود (رجبی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۶۳) که به موجب آن رابطه بهبود یافته و تعهد آن‌ها به ارتباط زناشویی افزایش می‌یابد.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که هوش هیجانی با واسطه‌گری پردازش بین‌فردی به صورت غیرمستقیم بر تعهد زناشویی اثر دارد. در این راستا نتیجه مطالعات نشان داده است که هوش هیجانی، ارتباط زیادی با میزان استرس و اضطراب افراد و همچنین سلامت روان آن‌ها دارد (مایر و همکاران، ۲۰۰۰، ص. ۶۵)، لوسین

(۲۰۰۶) بیان می‌کند که میزان اضطراب و استرس افراد، پیش‌بین میزان تعهد زناشویی بوده و در این بین، افسردگی نقش بسیار مهم‌تری ایفا می‌کند. با توجه به اینکه افسردگی، مکانیسم بسیار پیچیده‌تری در مقایسه با اضطراب دارد و بر جنبه‌های مختلف زندگی و ارتباطات درون فردی و بین فردی تأثیر دارد این مطلب درست به نظر می‌رسد. در واقع می‌توان گفت هوش هیجانی بالاتر موجب ارتباطات بین فردی قوی‌تری می‌شود که به موجب آن رضامندی از زندگی زناشویی و متعاقباً تعهد به آن افزایش خواهد یافت.

همچنین نتایج نشان داد سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) با میانجیگری پردازش بین فردی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند. در این خصوص می‌توان گفت تعهد شخصی در ازدواج به این معنی است که فرد خواهان تداوم رابطه است و در این باره احساس فشار و جبر نمی‌کند، پس تعهد تحت تأثیر ارتباط با همسر قرار دارد (هارمون، ۲۰۰۵، ص. ۳۴). از سوی دیگر فرد دارای دلبستگی ایمن احساس می‌کند که ارزشمند است و ارزش مراقبت شدن و توجه از سوی دیگری را دارد. بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن تمایل دارند تا روابط رمانتیکشان را به صورت شاد و مورد اعتماد توصیف کنند؛ بدیهی است چنین افرادی می‌توانند به آسانی به دیگران نزدیک شده و در تعامل با شریک زندگی‌شان راحت باشند که این همه موجب تعهد بیشتر ایشان به رابطه زناشویی خواهد بود (فتحی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۳).

مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و مؤلفه‌های هوش هیجانی نیز با میانجیگری پردازش بین فردی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند. در این خصوص می‌توان گفت زوج‌هایی که هوش هیجانی بالاتری دارند، توان درک و فهم همسرانشان را در شرایط سخت دارا هستند و همین امر موجب رابطه مطلوب‌تر و قوی‌تر بین آن‌ها گشته و تعهد بین زوجین را افزایش می‌دهد؛ بدیهی است که نقص در مهارت‌های هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر، آثار نامطلوبی بر زندگی مشترک آن‌ها می‌گذارد (رجبی، موسویان نژاد و تقی‌پور، ۱۳۹۳، ص. ۶۳). همچنین در خصوص سبک‌های دلبستگی می‌توان گفت الگوهای عملی درونی انسان، تحت تأثیر تجارب مکرر و روزانه کودک با نمادهای دلبستگی ساخته می‌شوند؛ بنابراین الگوها در ابتدای کودکی تحت تأثیر تعامل کودک با مراقبین اولیه‌اش، شکل گرفته و از طریق این تصورات و الگوهاست که فرد، وقایع محیط اطراف خود را درک و پردازش کرده و آن‌ها را ارزیابی می‌کند و انتظارات خود را شکل می‌دهد. ویژگی رفتار بهنجار و نابهنجار فرد در روابطش به شکلی عمیق ریشه‌گرفته از سبک دلبستگی اوست. در واقع، این سبک دلبستگی است که به فرد امکان می‌دهد به رشد عاطفی و اجتماعی و شناختی سالم دست پیدا کند و اعتماد و صمیمیت و تعهد در تعاملات را یاد بگیرد و حس ارزشمندی و نگرش مثبت به خود را شکل داده و به خودنظمی عاطفی و هیجانی دست پیدا کند؛ بنابراین سبک دلبستگی شکل گرفته در افراد تأثیرگذار بر تمام جوانب زندگی، از جمله روابط عاشقانه بزرگسالی خواهد بود و نقطه شروع نظام ارتباطی زوجین در ازدواج



نیز به‌شمار می‌رود (اسکندری و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۵۵). جانسون و ویفن^۱ (۲۰۰۳)، معتقدند مسئله اساسی در زوج‌های کمتر تعهد و علت اصلی عدم صمیمیت آن‌ها، «دلبستگی نایمن» است؛ زیرا «ناامنی» روابط را تخریب می‌کند و آشفتگی هیجانی ایجاد می‌کند. به اعتقاد آن‌ها کسانی که سبک‌های دلبستگی نایمن و اجتنابی را تجربه می‌کنند الگوهای متفاوتی را در روابط صمیمانه به نمایش می‌گذارند. این افراد همیشه منتظر و مترصد رفتارهای همسرانشان هستند و به‌دلیل بروز این پریشان‌حالی‌ها، رضایت از رابطه کمتر و جدایی‌های بسیاری را تجربه می‌کنند. افراد دارای سبک‌های دلبستگی نایمن و اجتنابی در مقایسه با افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، علاقه کمتری به ایجاد روابط رمانتیک و تجربه صمیمیت نشان می‌دهند. هرچه فرد در دوران کودکی دچار مشکلات بیشتر و سبک دلبستگی نایمن‌تر باشد، در بزرگسالی نیز در روابط عاشقانه - دوستانه - جنسی و رفتار سازگارانه جمعی مشکلاتی را تجربه خواهد کرد؛ این شخص با انتظاراتی مخدوش و تحریف‌شده از دیگران بزرگ می‌شود و به‌صورت ناهشیار، اشخاص صمیمی را وامی‌دارد تا با این الگوهای درونی از نقش‌ها هماهنگ شوند و فرد بزرگسال برای جور کردن تمامی روابط صمیمی با این نقش‌های درونی، تلاش‌های ناهشیار بیشتری می‌کند (ترا بیان، ۱۳۹۰، ص. ۳۴). فرد دارای سبک نایمن در اولین تجربه ارتباط نزدیک خود با افراد مهم زندگی‌اش، دچار آسیب روان‌شناختی شده و ترس از نداشتن امنیت در او نهادینه شده است. در واقع، فرد نایمن اضطرابی نیاز شدید به ارتباط دارد؛ اما تحت تسلط ترس از طرد شدن، و به‌دلیل نیاز شدیدش به کسب اطمینان از دوست داشته شدن، همیشه تحت فشار هیجانات شدیدی است که توانایی حل مسئله را در او مختل می‌کند و عطش دائم دیده شدن و مطلوب واقع شدن او را در تنشی درونی نگه می‌دارد (اسکندری، هادی، سهرابی، معتمدی و فرخی، ۱۳۹۵، ص. ۴۴). فتحی (۱۳۹۱) در نتایج پژوهش خود مطرح کرده است که سبک اضطراب و اجتناب با تعهد رابطه معنادار منفی دارد. فرد نایمن اجتنابی تردید در خودکفایتی و احساس ارزشمندی داشته و با تفکر دور نگه‌داشتن خود از آسیب‌های احتمالی در ارتباط، از لحاظ هیجانی و عاطفی فاصله می‌گیرد و روابط او گسسته و ناپایدار است.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به اینکه ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین قرارداد زندگی شناخته می‌شود، «تعهد زناشویی» مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که می‌تواند پایداری به این قرارداد را تضمین کند؛ تعهدی که وفای به آن می‌تواند مرتبط با عوامل درونی مختلف باشد. بررسی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی می‌تواند تا حدود زیادی ارتباط بین زوجین را بهبود بخشد و از نقض این تعهد جلوگیری کند.

احساسات و هیجانات در عرصه زندگی و مخصوصاً ارتباطات بین فردی زندگی زناشویی بسیار مؤثر است و

1. Johnson, S. M., & Whiffen,

همچنین هوش هیجانی موجب می‌شود تا افراد در شرایط سخت و استرس‌زای زندگی واکنش مناسبی نشان دهند و از سوی دیگر سبک‌های دلبستگی به‌عنوان یک رابطه هیجانی خاص که مستلزم تبادل لذت، مراقبت و آرامش است در تعامل فرد با محیط و نوع رفتار آتی او تأثیرگذار خواهد بود؛ بنابراین این پژوهش به بررسی نقش این عوامل در تعیین و پیش‌بینی تعهد زناشویی پرداخت.

با توجه به اینکه بررسی حاضر در ایران یک بررسی مقدماتی به‌شمار می‌رود، می‌تواند پایه‌ای نظری برای پژوهش‌های آینده در خصوص تعهد زناشویی و نقش مؤلفه‌های گوناگون در آن باشد، همچنین از آنجاکه امروزه خیانت زناشویی در بین زوجین افزایش یافته است (فردوسی، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۵) می‌تواند چهارچوب بهتری را برای درک عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی در زوجین فراهم کند و به‌این ترتیب موجب رضایت بیشتر ایشان از زندگی زناشویی شود.

دربارۀ محدودیت‌های این پژوهش می‌توان گفت که در این پژوهش همانند بسیاری از پژوهش‌های دیگر توانایی کنترل کامل متغیرهای مزاحم وجود نداشت. از آنجاکه پژوهش حاضر به روش همبستگی انجام گرفت، امکان دستیابی به روابط علت و معلولی بین متغیرها دشوار بود. با توجه به جامعه محدود این پژوهش، می‌بایست در تعمیم یافته‌ها دقت لازم صورت گیرد. همچنین محدودیت ابزار و سوگیری‌های مربوط به آن نیز می‌تواند از محدودیت‌های این پژوهش باشد. درمجموع با توجه به نتایج این پژوهش انتظار می‌رود تا متغیرهای موجود در پژوهش موردتوجه مشاوران و روان‌شناسان زوج و خانواده قرار گیرد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود تا در مداخلات زوجی و به‌منظور افزایش رضایتمندی زناشویی برنامه‌هایی برای ارتقای هوش هیجانی و قدرت پردازش بین‌فردی زوجین اجرا شود. همچنین با توجه به نقش سبک‌های دلبستگی در تعهد زناشویی پیشنهاد می‌شود تا در خانواده‌ها و مدارس توجه ویژه‌ای به سبک‌های دلبستگی افراد و تغییر سبک‌های دلبستگی ناایمن شود. درنهایت با توجه به قدرت پردازش بین‌فردی در مداخله در نقش متغیر میانجی، پیشنهاد می‌شود تا نقش این متغیر در سایر بررسی‌های مربوط به خانواده سنجیده شود. نتایج حاصل از این پژوهش از آن جهت حائز اهمیت است که می‌توان با تقویت هوش هیجانی و بررسی سبک‌های دلبستگی افراد در بستری از ارتباطات ایشان، تعهد آن‌ها را به رابطه زناشویی افزایش داد و بنیان خانواده را استحکام بخشید.

تشکر و قدردانی

درنهایت از تمامی کارکنان شرکت فولاد هرمزگان که در اجرای این پژوهش یاریگر ما بودند، نهایت تقدیر و تشکر را داریم.

منابع فارسی

- اسکندری، حسین؛ هادی، سعیده؛ سهرابی، فرامرز؛ معتمدی، عبدالله و فرخی، نورعلی (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی در افراد مرتکب بی‌وفایی زناشویی، پژوهش‌های مشاوره، ۱۵(۶۰). صص ۴۲-۵۹. قابل بازیابی از: <http://iran-counseling.ir/journal/article-1-479-fa.html>
- اصلانی، خالد؛ عبداللہی، نیره و امان‌اللہی، عباس (۱۳۹۶). رابطه سبک دلبستگی با تعهد زناشویی با میانجیگری تمایز یافتگی خود و احساس گناه در دانشجویان زن متأهل شهر اهواز، پژوهش‌های مشاوره، ۱۶(۶۱). صص ۱۸۸-۲۱۲. قابل بازیابی از: <http://iran-counseling.ir/journal/article-1-297-fa.html>
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶). تأثیر هوش هیجانی بر کیفیت روابط اجتماعی دانشجویان، فصل‌نامه مطالعات روان‌شناختی، شماره سوم، صص ۱-۱۲. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/25559>
- بشارت، محمدعلی (۱۳۹۱). نقش واسطه‌ای مکانیسم‌های دفاعی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ناگویی هیجانی، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۱(۲۱). صص ۷-۲۲. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=173883>
- بشارت، محمدعلی؛ شالچی، بهزاد (۱۳۸۶). سبک‌های دلبستگی و مقابله با تنیدگی، روان‌شناسان ایرانی، ۱۱(۳). صص ۵-۲۵. قابل بازیابی از: http://zjp.azad.ac.ir/article_512403.html
- تربیان، لیلیا (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی همسران خیانت‌دیده، همسران بی‌وفا و همسران عادی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا.
- چراغی، مونا؛ مظاهری، محمدعلی؛ موتابی، فرشته و پناغی، لیلی (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی، راهبرد فرهنگ، ۳۱(۱). صص ۹۹-۱۲۵. قابل بازیابی از: http://www.jsfc.ir/article_14923.html
- رجبی، غلامرضا؛ موسویان‌نژاد، خلیل و تقی‌پور، منوچهر (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی با رضایت و تعارض زناشویی در معلمان زن متأهل، دوفصل‌نامه مشاوره کاربردی، ۴(۱). صص ۴۹-۶۶. https://jac.scu.ac.ir/article_12562.html
- رجبی، غلامرضا؛ نادری نویندگانی، زهرا؛ امان‌اللہی، علی و شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۹۴). اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا بر پردازش بین فردی و نزدیکی رابطه در زوج‌های آشفته، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۶(۲۱). صص ۱۰۵-۱۲۸. قابل بازیابی از: http://jpmm.miau.ac.ir/article_1691.html
- زارع، مژگان و رضایی، آذرمیدخت (۱۳۹۵). نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی زوجین شاغل فرهنگی شهر مرودشت، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۷(۲۴). صص ۹۱-۱۰۲. قابل بازیابی از: http://jpmm.miau.ac.ir/article_2019.html
- زارعی، سلمان و حسینقلی، فاطمه (۱۳۹۲). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه و تمایز یافتگی خود در دانشجویان متأهل، فصل‌نامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۱). صص ۱۱۳-۱۳۳. قابل بازیابی از: http://fcp.uok.ac.ir/article_9652.html
- زمانی زارچی، محمدصادق، صمدی کاشانی، سحر و قاسم‌زاده، سوگند (۱۳۹۷). مقایسه طرح‌واره‌های هیجانی و خودسرکوبگری در زنان متقاضی طلاق و غیرمتقاضی طلاق، دوفصل‌نامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۶(۲). صص ۱۴۷-۱۵۸. قابل بازیابی از: http://pssw.jrl.police.ir/article_20332.html
- سهراب‌زاده، مهران؛ نیازی، محسن و افرا، هادی (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی رابطه فردگرایی و تغییر در ساختار خانواده، دوفصل‌نامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۸(۱). صص ۱۷۱-۱۹۸. قابل بازیابی از: <http://pssw.jrl.police.ir/>

article_93844.html

شاه سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه؛ محبی، سیامک. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهر اصفهان، مجله علمی - پژوهشی اصول بهداشت روانی، ۱۱(۳)، صص ۲۳۳-۲۳۸. قابل بازیابی از: <https://jfmh.mums.ac.ir/>

article_1556.html

شربتیان، محمدحسن و طوافی، پویا (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن، دوفصل‌نامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده. ۵(۳). صص ۱۹۳-۲۱۸. قابل بازیابی از: <http://pssw.jrl.police.ir/>

article_17590.html

فتحی، سروش و آزادبان، عذرا (۱۳۹۶). بررسی تأثیر عوامل دموگرافیک در رضایتمندی از زندگی زناشویی زوجین ۳۵ تا ۵۵ سال، فصل‌نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده. ۱۹(۷۵). صص ۱۱۱-۱۳۵. قابل بازیابی از: <http://www.jwss.ir/>

article_51748.html

فردوسی، سیما (۱۳۹۷). پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی بر اساس رفتار دلبستگی در روابط زناشویی، کیفیت روابط زناشویی و سبک‌های دلبستگی در زنان متأهل، فصل‌نامه روان‌شناسی معاصر. ۱۳(۲). صص ۱۴۹-۱۵۷. قابل بازیابی از: http://bjcp.ir/browse.php?a_id=1430&slc_lang=fa&sid=fa&ftxt=1&html=1

قاسمی، وحید (۱۳۹۲). مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphic. تهران: نشر جامعه‌شناسان. کریمیان، نادر؛ کریمی، یوسف و بهمنی، بهمن (۱۳۹۰). بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل، فصل‌نامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱(۲)، صص ۲۴۳-۲۵۶. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/>

article/367777/

مجیدی قهرودی، نسیم و سلطان محمدی، زهره. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر تفاوت‌های ارتباطی زنان و مردان در روابط میان فردی، فرهنگ ارتباطات. ۱(۲). صص ۳۴-۴۶. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=204142>

aspx?id=204142

منابع خارجی

- Adams JM, Jones WH. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *JPers Soc Psychol.* 72(5), pp. 1177-96. Retrived from: <https://doi.org/10.1037/0022-3514.72.5.1177>
- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. N. (2015). *Patterns of attachment. A psychological study of the strange situation.* Psychology Press.
- BlowAJ, HartnettK. (2005). Infidelityin committed relationshipsII: A substantive review. *J MaritalFamTher.* (31) pp. 217-233. Retrived from: <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2005.tb01556.x> PMID:15974059
- Bogaerts, S; Dallder, A. L.; Knnap, L. M. V.; Kunst; M.& Buschman, J. (2008). Critical incident, adult attachment style, and posttraumatic stress disorder: a comparison of three groups of security workers. *Social behavior and personality*, 36 (8), pp. 1063- 1072. Retrived from: <https://doi.org/10.2224/sbp.2008.36.8.1063>
- Boudoukha, A. H., Przygodzki-Lionet, N., & Hautekeete, M. (2016). Traumatic events and early maladaptive schemas (EMS): prison guard psychological vulnerability. *European Review*

- of *Applied Psychology*, 4 (66), pp. 181-187. Retrived from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S1162908811000247>
- Bowlby, J. (2008). *Attachment and loss: Sadness and depression*. Vol. 3. New York: Basic books.
- Cann, A; Norman, M. A.; Welbourne, J. L. and Calhoun, L. G. (2008). Attachment styles, conflict styles and humour styles: interrelationships and associations with relationship satisfaction. *European journal of personality*. 22, pp. 131-146. Retrived from: <https://doi.org/10.1002/per.666>
- Doell, F. K. (2010). *Enhancing couples' communication through Systemic-Constructivist Couple Therapy: The relationship between marital listening and relationship quality*. Dissertation submitted for Doctorate in philosophy. York University. Canada.
- Drigotas, S. M., & Barta, W. (2001). The cheating heart: Scientific explorations of infidelity. *Current directions in psychological science*, 10(5), pp. 177-180. Retrived from: <https://doi.org/10.1111/1467-8721.00143>
- Feeney J, Fitzgerald J. (2018). Attachment, conflict and relationship quality: laboratory-based and clinical insights. *Current Opinion in Psychology*. 2019 Feb; 25, pp. 127-131. Retrived from: <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2018.04.002>
- Harris and Curtin (2002). Parental Perception, Early Maladaptive Schemas and Depressive Symptoms in Young Adult. *Cognitive Therapy and Research*, 26, (3), pp. 405- 416. Retrived from: <https://doi.org/10.1023/A:1016085112981>
- Hertlein, K. M., Wetchler, J. L., & Piercy, F. P. (2005). Infidelity: an overview. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4 (2-3), pp. 5-16. Retrived from: https://doi.org/10.1300/J398v04n02_02
- Ho, M. Y., Chen, S. X., Bond, M. H., Hui, C. M., Chan, C., & Friedman, M. (2012). Linking adult attachment styles to relationship satisfaction in Hong Kong and the United States: The mediating role of personal and structural commitment. *Journal of Happiness Studies*, 13 (3), 565-578. Retrived from: <https://doi.org/10.1007/s10902-011-9279-1>
- Johnson, S. (2018). Attachment in action — changing the face of 21st century couple therapy. *Current Opinion in Psychology*. Volume 25, pp. 101-104. Retrived from: <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2018.03.007>
- Katherine M. Hertlein PhD, Joseph L. Wetchler PhD & Fred P. Piercy PhD (2005) Infidelity, *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4:2-3, pp. 5-16. Retrived from: DOI: 10.1300/J398v04n02_02
- Lyusin, D. (2006). Emotional intelligence as a mixed construct: Its relation to personality and gender. *Journal of Russian and East European Psychology*, 44, pp. 54-68.. Retrived from: <https://doi.org/10.2753/RPO1061-0405440604>
- Mayer, J. D., Caruso, D., & salovey, P. (2000). *Emotion intelligence*, Inr. J. Sternberg (Ed.)

Handbook of intelligence, New York, Cambridge university press.

- Miller, S. (2008). *Thinking and speaking in the third person: an extraction study of a technique from systemic-constructivist couple therapy*. Graduate program in psychology. York University.
- Pérez-Fuentes, M.D.C.; Molero Jurado, M.D.M.; Gázquez Linares, J.J.; Oropesa Ruiz, N.F. (2018). The Role of Emotional Intelligence in Engagement in Nurses. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 15, 1896-1915. Retrived from: <https://doi.org/10.3390/ijerph15091915>
- Reid, D. W., Dalton, J., Laderoute, K., Doell, F., & Nguyen, T. (2006). Therapeutically induced changes in couple identity: The role of 'we-ness' and interpersonal processing in relationship satisfaction. *Genetic, Social and General Psychology Monographs*, 132, pp. 121-143. Sanfrancisco: Jossey –Bass.. Retrived from: <https://doi.org/10.3200/MONO.132.3.241-288>
- Wong, C.-S., and Law, K. S. (2002). The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study. *The Leadership Quarterly*, 13(3), pp. 243-274. Retrived from: [https://doi.org/10.1016/S1048-9843\(02\)00099-1](https://doi.org/10.1016/S1048-9843(02)00099-1)
- Zeidner, M. Matthews, G. & Roberts, R. (2009). *What we know about emotional intelligence: How it affects learning, work, relationships, and our mental health*. Cambridge, MA: MIT Press.

